

پیدایش و وابستگی حکومت پهلوی به غرب

۱۸ دی ۱۴۰۴ ساعت ۱۷:۵۱

از سایه‌ی آبرونساید تا حمایت سیا؛ دو پادشاه، یک سرنوشت تکراری؟ در پس پرده‌ی دو انقلاب قدرت در ایران، داستان حمایت‌های پنهان غرب از خاندان پهلوی نه یک تصادف تاریخی، بلکه یک استراتژی بلندمدت برای تضمین منافع نفتی و ژئوپلیتیکی بود. از کودتای نظامی در مه بی‌ثباتی تا کودتای نرم برای بازگرداندن سلطنت این تحلیل نشان می‌دهد چگونه هر دو شاه، هرچند با ابزارهای متفاوت، زیر چتر حمایتی قدرت‌های جهانی قرار گرفتند و چرا نام «وابستگی» بر کارنامه‌ی آن‌ها حک شد.

پس از فروپاشی دولت قاجار و آشفتگی سیاسی - اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم، انگلستان که نفوذش در ایران را با خطر شوری و ناآرامی داخلی روبه‌رو می‌دید، در پی فردی مقتدر برای حفظ منافع خود بود. در چنین شرایطی رضاخان میرپنج، فرماندهی تیپ قزاق، با حمایت ژنرال آبرونساید انگلیسی در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ قدرت گرفت. کودتا با تصمیم پنهان بریتانیا انجام شد تا دولتی مرکزی و مطیع در ایران ایجاد شود. چند سال بعد، با حذف رقبا و تصویب مجلس مؤسسان، رضاخان در ۱۳۰۴ به‌عنوان شاه روی کار آمد.

گرچه او در داخل کشور اصلاحاتی نظیر ایجاد ارتش مدرن، احداث راه‌آهن سراسری و تمرکز قدرت را انجام داد، اما سیاست خارجی‌اش در چارچوب منافع بریتانیا تعریف می‌شد. قراردادهای نفتی همچنان به نفع انگلستان باقی ماند و استقلال واقعی ایران تثبیت نشد. بسیاری از مورخان، از جمله پرواند آبراهامیان و هما کاتوزیان، معتقدند روی کار آمدن رضا شاه بخشی از سیاست منطقه‌ای انگلستان برای کنترل منابع و جلوگیری از نفوذ شوروی بود.

با آغاز جنگ جهانی دوم، هنگامی که تمایلات رضاشاه به آلمان نازی افزایش یافت، متفقین ایران را اشغال کردند. ارتش بریتانیا و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ او را مجبور به استعفا کردند و پسرش محمدرضا شاه - با خواست آشکار متفقین - جانشین او شد. این نخستین حلقه از وابستگی مستقیم سلطنت پهلوی دوم به قدرت‌های خارجی بود.

در دهه‌ی ۱۳۲۰، فضای سیاسی باز شد و جریان ملی‌گرایی به رهبری دکتر محمد مصدق قدرت گرفت. مصدق در سال ۱۳۳۰ صنعت نفت را ملی کرد و منافع انگلستان را به خطر انداخت. در واکنش، سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا با هماهنگی درباریان، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را سازمان دادند. این کودتا حکومت ملی را سرنگون کرد و شاه که پیشتر گریخته بود، با

پشتیبانی سیا و ام‌آی ۶ به قدرت بازگشت. از این پس، تکیه‌گاه اصلی سلطنت نه مردم، بلکه حمایت امنیتی و مالی ایالات متحده بود.

پهلوی دوم در دهه‌های بعد برنامه‌هایی چون «انقلاب سفید» و مدرنیزاسیون سریع را زیر نظر مشاوران آمریکایی اجرا کرد. ساختار ارتش، اقتصاد و حتی فرهنگ مدیریتی کشور به شدت به غرب وابسته شد. فروش نفت افزایش یافت، اما درآمدهای آن بیشتر برای خرید سلاح‌های آمریکایی و پروژه‌های وابسته به شرکت‌های غربی مصرف می‌شد. دستگاه امنیتی ساواک نیز با آموزش مستقیم سیا و موساد شکل گرفت و هر صدای مستقل داخلی را سرکوب کرد. به همین دلیل، بخش بزرگی از روشنفکران، مذهبی‌ها و ملی‌گرایان، او را نماد کامل وابستگی سیاسی و فرهنگی به غرب می‌دانستند.

از نظر تحلیلی، هر دو دوره‌ی پهلوی را می‌توان دو مرحله از سیاست واحد غرب برای کنترل ایران دانست: در مرحله‌ی نخست، بریتانیا با رضا شاه ساختاری مقتدر ولی تابع ایجاد کرد؛ در مرحله‌ی دوم، آمریکا با محمدرضا شاه ایران را به پایگاه ژئوپلیتیکی خود در برابر شوروی بدل کرد. نتیجه این سیاست‌ها، توسعه‌ی ظاهری در برابر وابستگی عمیق بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۵۰۲۸۶/پهلوی-حکومت-وابستگی-پیدایش>